

بررسی انتقادی تصحیح دیوان شیخ آذری

یوسفعلی یوسف‌نژاد^۱

تصحیح و چاپ دست‌نوشته‌های کهن، یکی از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های همیشگی محققان ادب فارسی است. هزاران دست‌نوشته کهن و گرانبها که میراث جاودان سرزمین ماست، در کتابخانه‌های اطراف و اکناف عالم نگهداری می‌شود. بسیاری از این دست‌نوشته‌ها، گنجینه‌هایی از لغت، صنایع ادبی و آداب و رسوم هستند، اما مسئله آن است که صحت و درست نویسی بسیاری از آنها قابل اعتماد نیست، زیرا کاتبان در متن دست برده و واژگان بسیاری را تغییر داده، کم و زیاد کرده‌اند. به این جهت بیشتر این دست‌نوشته‌ها نیاز به تصحیح علمی و بازپیرایی دقیق دارند.

از آن هنگام که تصحیح علمی در کشور ما از سوی علامه محمد قزوینی و دانشمندان پس از ایشان مرسوم گشت، بسیاری از این گنجینه‌ها به بهترین شیوه تصحیح و چاپ گردید و در دسترس همگان قرار گرفت، ولی درخت تناور میراث ادبی، هنوز میوه‌های فراوانی دارد که نیازمند مطالعه و تصحیح است. در سال‌های اخیر، اندیشه‌ای میان تعدادی از فرهیختگان، بار گرفته است که باید همه دست‌نوشته‌های به جای مانده از بزرگان پارسی‌گوی چاپ شود و اگر در این میان، اصول تصحیح متون نیز رعایت نگردد، مشکلی ایجاد نمی‌کند. من در این جایگاه، در مقام اثبات یا نفي این سخن نیستم، ولی به نظر می‌رسد همانند هر کار دیگری، افراط در این امر نیز مشکلاتی را در بردارد. «یکی از ارکان مسلم تصحیح علمی و انتقادی، شناخت علمی از نسخه‌های معتبر است»^۲ نگاه به تعدادی از دست‌نوشته‌های چاپ شده در سالیان اخیر، گواه آن است که مصححان محترم، اندک اهتمام علمی را در جهت بازپیرایی متون انجام نداده‌اند. جستن بیشترین دست‌نوشته‌های موجود از هر متن، اولین گامی است که باید مصحح بردارد و در بسیاری از کتاب‌های تصحیح و چاپ شده، این کار انجام نگرفته است.

یکی از دست‌نوشته‌هایی که اخیراً به زیور چاپ آراسته شده، دیوان شیخ آذری، شاعر سده نهم هجری قمری است. کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، این کتاب را در هیئتی زیبا و جلدی چشم‌نواز، در سال ۱۳۸۹ به بازار عرضه کرده است. روی جلد کتاب نام مصححان و محققان، دکتر محسن کیانی و سید عباس رستاخیز نوشته شده است. کتاب در ۵۷۰ صفحه و به قیمت ۹۵۰۰۰ ریال عرضه شده است. در آغاز، مقدمه کوتاه رئیس کتابخانه مجلس و سپس فهرست مطالب آمده است.

بعد از فهرست، پیشگفتار است که به قلم آقای عباس رستاخیز یکی از مصححان کتاب نوشته شده است. چند نکته در این پیش‌گفتار آمده که قابل ذکر است: «... برای دیدن نسخه‌ای به کتابخانه ملک رفتیم؛ دیوان شیخ آذری را دیدم... مدت‌ها درصدد چاپ آن بودم تا اینکه تصمیم گرفتم این دیوان را تصحیح کنم!»^۱. نویسندگان ابتدا تصمیم گرفته است دیوان را چاپ کند و بعد تصحیح نماید! و البته ظاهراً سرانجام همین کار را انجام داده؛ یعنی دیوان را فقط چاپ نموده است تا تصحیح. در ادامه می‌گوید: «برای دیدن نسخه‌های دیگر به فهرست‌ها رجوع کردم، اما نسخه کاملی از این دیوان نتوانستم پیدا کنم... با همین نسخه شروع کردم به کار تصحیح، در مدت چند ماه کار را به پایان رسانیدم. بعداً متوجه شدم که بخشی از غزل‌ها بر اثر افتادگی، مفقود و بعضی ناقصند!»^۲ عجب! نویسندگان محترم چند ماه پس از اتمام کار تصحیح نسخه، متوجه افتادگی و نقص آن شده‌اند. اولین گام در شناخت نسخه، بررسی آن و به ویژه دقت روی دراکه‌ها است تا مصحح نداند که اوراق نسخه او چند برگ است و افتادگی دارد یا خیر، چگونه می‌تواند به آن اعتماد کند؟ شاید به همین دلیل است که استاد نجیب مایل هروی اعتقاد دارند: «ضرورت تجدید تصحیح متون ادبی و نگارش‌های تخیلی در زبان فارسی، امری است اجتناب‌ناپذیر»^۳ از این گذشته، نویسندگان به کدام فهرست مراجعه نموده که نسخه کاملی از دیوان شیخ آذری را در بر نداشته است؟ دم دست ترین فهرست فعلی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی تألیف استاد احمد منزوی است. در این فهرست هشت ردیف از شماره‌های ۲۱۲۷۰ تا ۲۱۲۷۷ به نام دیوان شیخ آذری آمده است:^۴

- شماره ۲۱۲۷۰: «کپنهاک، سلطنتی، نستعلیق، درویش شیرازی ۸۶۳ [نسخه‌ها ۵: ۶۹۹]

- شماره ۲۱۲۷۱ پاریس، ۳۹۴ p، سروده‌هایی است از او در جنگ نوشته ۹۰۲ فیلم. آن در دانشگاه

ش ۱۳۱۳ است [فیلم‌ها-۵۹۳]

- شماره ۲۱۲۷۲ ملک، ۵۹۳۸: نستعلیق خوش ۱۰۷۳- قصاید، غزلیات، رباعی، ترجیع بند است با چهار

مجلس تصویر ۱۶۰ گ ۱۵ س [رویت]

- شماره ۲۱۲۷۳: ملک ۵۳۰۷/۱۶ نستعلیق سده ۱۱ (ص ۴۵۰-۵۰۱ در هامش) همراه ۲۹ دیوان دیگر

و چهارده سرلوح ۳۱ س. آغاز افتاده: نبی کجا شود و کی رسد الف به رسول.

- شماره ۲۱۲۷۴: (بادلان ۴۷ الیوت، نستعلیق ۲۵ رمضان ۱۰۲۰ ۱۹۵ گ ۱۵ س. فیلم آن در دانشگاه

ش ۸۷۸ هست [فیلم‌ها: ۱۸]) (همان، ص ۲۲۰۷)

ظاهراً استاد منزوی این نسخه را خود رؤیت نکرده. میکروفیلمی که در ذیل این شماره در دانشگاه

تهران موجود است، متعلق است به مثنوی شیخ آذری با عنوان «عجایب الغرایب» یا مطابق آنچه در ترقیمه

این نسخه آمده است: «غرایب العلی». پس این نسخه دیوان شیخ نیست و فقط شامل مثنوی «عجایب الغرایب» او می‌شود.

- شماره ۲۱۲۷۵: (بنگاله، ایشیاتک ۱ دیوان (۷۱۰) نستعلیق ۱۰۲۶ [ف-بنگال ۱۰۳]) (همان، ص ۲۲۰۸)
- شماره ۲۱۲۷۶ (موزه بریتانیا Add ۲۵۸۲۱ نستعلیق ۱۲۰۱ در بنگاله، ۷۱ گ ۱۹س فیلم آن در دانشگاه ش ۲۸۹ است [فیلم‌ها: ۱۷۰]) (همان، ص ۲۲۰۸)

اما آنچه در ذیل شماره مذکور از فیلم‌های دانشگاه موجود است، نسخه‌ای است از دیوان شاعری به نام آصفی. بررسی این دیوان نشان می‌دهد که هیچ یک از اشعار شیخ آذری در این مجموعه داخل نشده است. به نظر من تنها دلیلی که موجب بروز این سهو گردیده، می‌تواند تشابه کلمات انگلیسی *Azari* و *Asafi* باشد که در انتهای دیوان آمده و دیگر اینکه تمام تخلص‌های آصفی در ذیل غزل‌ها با حروف و قلمی جداگانه، بعداً الحاق گردیده و برای بررسی کنندگان نسخه، این شائبه را به وجود آورده که این نسخه متعلق به آذری بوده و بعداً آصفی شده است. در هر صورت، این نسخه، دیوان شیخ آذری نیست.

- شماره ۲۱۲۷۷: بادلیان ۳۲۹/۶ الیوت: (ک ۱۰۲-۱۲۴) همراه دیوان‌های کاتبی، امیرشاهی، خیالی، امیرمسعود، امیرسیفی و سعدی. فیلم آن در دانشگاه، ش ۸۷۴ است. [فیلم‌ها: ۵۴۵]

مصحح محترم می‌توانست با کتابخانه سلطنتی دانمارک تماس بگیرد تا ببیند وضعیت نسخه منحصر به فرد دیوان شیخ که در زمان حیات شاعر کتابت شده، چگونه است. از انجمن آسیایی کلکته هم می‌توانست نسخه منحصر به فرد دیگر دیوان شیخ را بخواهد و آن‌گاه با فراغ بال و خاطری آسوده از جمع‌آوری تمامی نسخه‌های دیوان شیخ آذری، به کار تصحیح متن بپردازد، اما دریغ که جست‌وجوی شاعر، فقط در حوالی کتابخانه ملک بوده و سرانجام با همان چند نسخه دست و پا شکسته، کار را آغاز نموده است!!

نگارنده، آن هنگام که از مقدمات چاپ دیوان شیخ آذری اطلاع یافتیم، با آقای دکتر کیانی تماس گرفتیم. ایشان فرمودند من دخالتی در تصحیح کتاب ندارم. آقای رستاخیز، نسخه‌ای را آورده و کارهایی انجام داده و من فقط می‌خواهم بر آن مقدمه‌ای بنویسم!

جناب دکتر کیانی در مقدمه خویش بر کتاب، به این موضوع و نحوه مشارکت در تصحیح کتاب اشاره کرده‌اند: «پس از آن قرار شد... متن دیوان را آقای رستاخیز فراهم کنند؛ سپس مطالب آغاز و انجام و تنظیم فهرست‌ها را این جانب به عهده بگیرم، در واقع نوعی مشارکت در تهیه دیوان داشته باشم».

انصافاً دکتر کیانی در انجام قسمت‌هایی که به ایشان واگذار شده است، سنگ تمام گذاشته‌اند. مقدمه عالمانه، دقیق و کامل ایشان در باب زندگی و آثار شیخ آذری، گره‌گشای بسیاری از مشکلات موجود درباره زندگی و شعر شاعر است. فهرست‌هایی هم که ظاهراً ایشان ترتیب داده‌اند، مغتنم و قابل استفاده فراوان است. تنها نکته‌ای که بر مقدمه هشتاد صفحه‌ای دکتر کیانی می‌توان گرفت، آن است که فهرست منابع و مأخذ آن به ترتیب حروف الفبا تنظیم نگردیده است. امری که در حال حاضر به شیوه‌ای کاملاً متداول و مرسوم، در تحقیقات ادبی بدل شده است.

ویژگی‌های نسخه ملک (شماره یک):

این نسخه به استناد ترقیمه، آن ۲۰۷ سال پس از وفات شاعر کتابت شده است. ۱۶۰ برگ دارد و در هر صفحه، حدود پانزده سطر کتابت شده است. مجموع قصاید کتابت شده، حدود ۱۵۰۰ بیت است. نسخه، صفحه‌بندی ساده‌ای دارد و مصرع‌های هر شعر روبروی هم کتابت شده و دو خط ساده ردیف مصرع‌ها را از هم جدا می‌کند. قصاید، فاقد نظم الفبایی‌اند و میان قصاید، ترجیع بند و ترکیب‌بند هم آمده است. پس از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بندها، غزل‌های شیخ آذری آمده است. نزدیک به ۳۵۰ غزل، ۳۹ قطعه و بیست رباعی در این دست‌نوشته کتابت شده است.

به استناد دراکه‌ها، نسخه، دست‌کم یازده صفحه افتادگی دارد. نگاره‌های مینیاتوری هم دقیقاً روی شعرها چسبانده شده که خود تعداد دیگری از ابیات را حذف کرده است! این دست‌نوشته به استناد نگاره‌های مینیاتوری و خط نستعلیق خوش و پخته آن و همچنین عدم دقت در کتابت و توجه صرف به زیبانویسی، از نسخ خطی دیوانی است که احتمالاً در یکی از کانون‌های نسخه‌نویسی متعلق به دربار امرا و حکام کتابت شده است.

بررسی جزئی نسخه و رسم‌الخط آن:

- کاتب به املائی بعضی از کلمات بی‌توجه است. در دیوان مکرراً خواست و خاست به جای یکدیگر نوشته شده است:^۸

در صورت خوبان ز جمال تو چه سر بود؟ کاندر دو جهان خواست از او فتنه و غوغا

و گاه اشتباهات واضح در ضبط کلمات:

«از خاطر رامی بری از شیوه و بسه» که باید اندیشه باشد.^۹

- در قصیده یک که تلمیحات فراوانی به نام پیامبران بنی‌اسرائیل و خاندان آنها شده است، تصحیفات و اشتباهات کاتب نمود بیشتری دارد و گاه به نظر می‌رسد فقط شکل کلمات را نقاشی کرده است:^{۱۰}

و آن‌گاه به سلکی که بد از بلهه زلفا!؟

- گاه کلمه قافیه جابه‌جا کتابت شده است:

روی سوی الهیت آنها که نبردند در ملک تو دارند به هر ذره الهی

مستوفی دیوان کمال ن نویسد از کفر و ز اسلام، گناهی و ثوابی^{۱۱}

که درست آن «ثوابی و گناهی» است و غفلت کاتب را می‌رساند.

برای «گ» سرکش نمی‌گذارد و همه نسخه را به همین شیوه کتابت کرده است.

- در کتابت نقطه‌ها از نظم خاصی پیروی نمی‌کند. گاه نقطه‌ها را کامل می‌گذارد، همراه اعراب (مشکول)

و گاه بدون نقطه:^{۱۲}

که آفریده سد از نور من علی هذا.

- ایباتی به شدت الحاقی می‌نماید. به نظر می‌رسد کاتب در هنگام نوشتن، سر ذوق آمده است و به روال شاعر ایباتی آورده، ولی خارج از وزن!^{۱۳}

السلام ای آسمان علم لقمان حکیم
السلام علیک یا ختم جمیع المرسلین
الحاقی بودن بیت دوم، مشهود است.

- «ب» آغاز کلمات را می‌چسباند- بقران: به قران - ب بخشد: بخشد - بناز: به ناز

- در ترجیع بند، تعداد ابیات هر بند ثابت نیست و گاه یازده بیت و گاه دوازده بیت آمده است.

- زورق را با ذال معجمه می‌نویسد و تلاطم را نیز تلاطم.

- در صفحه ۷۲ یک تک بیت و یک قطعه دوبیتی در متن غزل‌ها آمده است.

- گاه به لحاظ رعایت زیبایی در خوشنویسی، ردیف‌ها را نمی‌آورد.^{۱۴}

طالبان وصل، بسیارند تا وصلت که یافت وصل کار دولت آمد تا که این دولت [که یافت]

- معمولاً بیت آخر غزل‌ها را درون مستطیلی می‌آورد تا بین غزل‌ها فاصله افتد، ولی گاه این روال را رعایت نکرده است.

- در صفحه ۱۲۰ و نیز ۱۴۳ دو قطعه، در متن غزل‌ها آمده است.

- بخش قطعات، رباعیات و مفردات نسخه، بسیار نامنظم‌تر از بخش غزلیات است، افتادگی‌های کلمات و حتی مصاریع، در آن بسیار بیشتر است و در چند جا کاتب روی کلمات، شکل صحیح آن را نوشته است. به نظر می‌رسد نسخه اصلی که کاتب از روی آن کتابت کرده نیز در بخش قطعات، مفردات و رباعیات، چندان معتبر نبوده است.

کاتب سواد متوسطی داشته و از دانش ادبی چندانی برخوردار نیست. قافیه‌های مهجور را فهم نکرده و معمولاً از روی شکل کلمات نوشته است. گاه ردیف و قوافی را با هم خلط کرده و به نظر می‌رسد به جز بخش غزل‌ها که از ضبط بهتری برخوردار است، ارزش نسخه در قسمت قصاید، قطعات و مفردات، متوسط باشد. چند صفحه افتادگی نسخه نیز از مشکلات دیگر اعتبار این نسخه است که دست‌کم بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ بیت مربوط به این صفحات، فوت شده است. همچنین به علت تعصبات مذهبی کاتب و با توجه به زمان کتابت نسخه که دوران اقتدار روزافزون مذهب شیعه است، ایباتی که نام خلفای سه‌گانه در آنها آمده، حذف شده است.

مطالبی که گفتم، بررسی اجمالی نسخه شماره یک کتابخانه ملک است که نسخه اساس چاپ دیوان قرار گرفته است. ایراداتی که ذکر شد، موجب شده تا متن چاپ شده، متنی منقح و پیراسته نباشد. در ادامه به مقایسه تعدادی از ضبط‌های مغشوش این چاپ با سایر نسخ دیوان می‌پردازم که مورد استفاده آقای رستاخیز قرار نگرفته است.

قصیده شماره ۱ :

ب ۷ - ملک

بر سدره فردوس نهاده سر تسلیم صابی و مجوسی و یهودی و نصاری^{۱۵}
البتّه در این بیت، مصحح محترم ضبط دیگری آورده و ضبط به روز شده نسخه اساس خود را نپذیرفته
است.

ضبط کتاب و سایر نسخ این گونه است:

بر سده فرمانش نهاده سر تسلیم صابی و مجوسی و یهودی و نصاری^{۱۶}
کاملاً مشخص است که کاتب معنی سده را در نیافته و آن را به سدره تصحیف کرده، آن گاه متناسب با
سدره، فردوس را جایگزین فرمانش نموده است.

ب ۱۳ - دیوان:

در بادیهی معرفتش راهروان را نه جا و نه منزلگه و نه مرحله پیدا^{۱۷}
سایر نسخ:

در بادیهی موقتنش راهروان را نه جا و نه منزلگه و نی مرحله پیدا
کاتب معنای موقتنش را در نیافته و آن را به معرفت تغییر داده است.
ب ۲۳ - دیوان:

روزی که نه بر طول تو آید به شب آن روز در هول و ظلم بیش بود از شب هول^{۱۸}
سایر نسخ:

روزی که نه بر طول تو آید به شب آن روز در طول و ظلم بیش بود از شب تولا
کاتب معنای شب تولا را و ارتباط آن با واژه طول و طولانی را در نیافته و بیت را اصلاح نموده است.
لغت نامه دهخدا ذیل لغت تولا، معنی واژه را سختی و عذاب آورده که با بیت متناسب است^{۱۹}
ب ۴ - دیوان:

از ورقه بری دل به خم طرّه‌ی گیسو از وجد دهی جان به هوای رخ سهلا^{۲۰}
سایر نسخ:

از ورقه بری دل به خم طرّه‌ی گلشاه از دعد دهی جان به هوای رخ سلما
عجیب است که کاتب ارتباط ورقه و گلشاه و رعد و سلما را در نیافته و بیت را این گونه، نامفهوم نموده است.
تصحیفات کاتب نسخه ملک و به تبع آن دیوان چاپ شده، در ضبط اسامی خاص، نمود بیشتری دارد.
ب ۶۵ - دیوان:

یارب به حق حرمت ذرّیت یعقوب و آنگه به حق عفت راحیل و لیا^{۲۱}
سایر نسخ:

یارب به حق حرمت ذریت یعقوب و آنکه به حق عفت راحیل و بولیا
راحیل و بولیا نام همسران یعقوب بوده که در بیت دیگری هم آمده است، ولی باز هم آن را به گونه‌ای
دیگر کتابت کرده است!

آن سلک نبوت که ز راحیل و زلیاست و آن‌گاه به سلکی که بد از بلهه [و] زلفا^{۲۲}
یعنی یک اسم خاص، در دو بیت، به دو صورت ضبط شده است!
کاتب در چند بیت دیگر این قصیده نیز، این‌گونه کلمات را به سلیقه خود تصحیح نموده است.

قصیده شماره ۲:

در این قصیده با مطلع:

در ابتدای سخن می‌بریم نام خدا کمال حسن همین است، حسن مطلع را^{۲۳}
نیز آشننگی‌هایی در ضبط واژگان و عبارات به چشم می‌خورد:
ب-۹- دیوان:

محمد [ی] که غرض گر نبودی، او بودی! نه عرش بودی و نه کرسی و نه ارض و سما^{۲۴}
سایر نسخ:

محمدی که غرض گر نه بود او بودی نه عرش بودی و نه کرسی و نه ارض و سما
در نسخه ملک، این قصیده به علت افتادگی یک صفحه، نه بیت کمتر دارد. متن قصیده در نسخه دنامه‌مارک،
کامل است.

قصیده شماره ۵:

ب-۱- دیوان:

عدوی تو که بود دوست روی، آن نفس است که می‌کشد ز هویت تو را به سوی هوا^{۲۵}
که درست آن، این‌گونه است:
سایر نسخ:

عدوی تو که بود دوست روی، آن نفس است که می‌کشد ز هویت تو را به سوی هوا
با این ضبط، معنای بیت کامل شده است.

قصیده شماره ۱۲:

در قصیده شماره دوازده، قافیه بیت اول تکرار شده است:

ب-۱-

ای برون از عقل ما عشق تو را جای دگر گفتگوی ما همه جایی و تو جای دگر^{۲۶}
که در سایر نسخ، مصرع اول این‌گونه است: «ای برون از عقل ما عشق تو آرای دگر»
که با این ضبط، مشکل قافیه بیت اول حل می‌شود.

نسخ هند، دانماک و همچنین تذکره دولتشاه، قبل از بیت آخر، بیتی دیگر دارند که در این چاپ نیامده است:
پس به چار ارکان دین آن چار یار با صفا هر یکی در منزلت موسی و عیسی دگر
ظاهراً کاتب نسخه ملک به علت تعصبات مذهبی که ذکر آن رفت، بیت را از صحیفه روزگار حذف نموده است.

قصیده شماره ۱۳ :

بیت زیر از قصیده سیزده نیز دچار اشکال وزنی است:

به ریش و جبّه و دستار و فش علاقه!
خدای را که دگر خلف را ز راه مبر^{۳۷}
که ظاهراً در مصرع اول علاقه باید علاق کتابت شود تا وزن درست شود.
تعداد ابیات این قصیده در کتاب، ۶۴ بیت است؛ حال آنکه در نسخه‌های هند و دانمارک، ۶۵ بیت آمده.
بیت زیر در کتاب نیست:

چگونه بود ظهورش ز عالم ملکوت چگونه عالم ناسوت شد ورا مظهر
که برابر نسخه هند و دانمارک، بعد از بیت ۲۸ آمده و خلأ آن به بافت عمودی کلام، خلل وارد کرده است.

قصیده شماره ۱۵ :

در قصیده شماره پانزده، بیتی وجود دارد که کلمه قافیه آن در هیچ نسخه‌ای موجود نیست:

به معموره‌ی ملک جاه تو باشد کمین قبه‌ای از زر آفرینش^{۳۸}
ظاهراً آقای رستاخیز، عبارت «از زر» را افزوده و البته آن را داخل [] قرار نداده‌اند.
عبارت از زر دارای تنافر حروف است و حتی به لحاظ معنایی با بیت نمی‌خواند.

قصیده شماره ۲۰ :

در قصیده شماره بیست و در بیت ۵۱ چنین آمده است:

تویی به حسن ولایت به چشم اهل کمال مثال یوسف و کتم؟ مشابه راحیل^{۳۹}
که کلمه «تکتتم» در مصرع دوم خوانده نشده و وزن بیت سخته دار شده است.

قصیده ۲۳ :

ب ۱۵-

به‌دستان از چنین شاهی، مگردان روی ای هوجه؟! اگر تو رستمی، من نیز در میدان او رستم^{۴۰}
که در نسخه‌های دیگر، «بی وجه» آمده و صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

قصیده ۲۴ :

ب ۱۹-

صد غسل ز آب چشمه‌ی نوشان برآورد ارژنگ چین ز رشک کتاب مصورم^{۴۱}

سایر نسخ :

صد غسل ز آب چشمه‌ی لوشا برآورد ارتنگ چین ز رشک کتاب مصورم
که لوشا یا تنگلوشا- حکیمی از حکمای روم است که او را لوش نیز گویند. او حکیمی بوده که در صنعت
نقاشی و مصوری عدیل و نظیر نداشته. همچنان که مانی در چین، سالار و بزرگ نقاشان و سرآمد ایشان
بوده، او نیز بزرگ و سرآمد نقاشان روم بوده است و چنان که کتاب مانی را انگلیون می‌خوانند، کتاب او را
تنگلوشا می‌نامند و تنگلوش هم می‌گویند... (خلاصه شده از لغت نامه، ج ۵، ذیل لغت تنگلوشا) کاتب محترم
که درک صحیحی از معنا و مفهوم لغت نداشته، آن را به نوشتن تبدیل کرده که گرچه ارتباطی با چشمه
پیدا می‌کند، دایره ارتباط معنایی واژگان بیت را درهم می‌شکند.

قصیده ۲۶:

در یک صفحه از نسخه ملک که این قصیده در آن کتابت شده است، مینیاتوری پیوست شده که نزدیک
به ده بیت از قصیده را پوشانده است! مصحح محترم هم به سهولت از خیر این ده بیت گذشته و اشاره‌ای
هم به آن نکرده است! ابیات ساقط شده، از بیت هشت به بعد این قصیده است.

ب ۲۳:

از جواهر هر شبی گویی مکمل می‌شود بر فراز روضه‌ات چون چتر سنجر آسمان^{۳۳}
در سایر نسخ به جای مکمل، مکمل آمده است که با توجه به مراعات النظیر آن با چتر و جواهر، صحیح‌تر
به نظر می‌رسد.

ب ۳۷:

یاوری کن از کرم بگذار با کهف الامم تا کند هر دم به خون خلق یاور آسمان^{۳۳}
سایر نسخ:

یاوری کن از کرم مگذار یا کهف الامم تا کند هر دم به خون خلق، یاور آسمان
که بدخوانی آقای رستاخیز، کاملاً آشکار است.

قصیده ۲۸:

این قصیده به علت قافیه خاص خود و فراوانی لغات ترکی، بسیار مغشوش است.

ب ۲:

ترک سحرانداز خطایی برهاند خال سیه شب ز رخ روز به قابو^{۳۴}
در نسخه‌ها: «ترک سحرانداز خطایی بر باید»
که واضح است ربودن در مقام ترک سحرانداز، مناسب‌تر است.

ب ۳-

بر تخت افق چون که برآید شه خاور ارکان شه زنگ در آرند به زانو^{۳۵}
سایر نسخ:

بر تخت افق چون که برآید شه خاور ارکان شه زنگ درآیند به زانو
که ترجیح به زانو درآمدن بر عبارت برآرند به زانو، مشخص است.
ب۴-

آه سحر از نایره‌ی صبح برآید پیچان به هوا چون نفس از لولوی یرغو^{۳۶}
سایر نسخ:

آه سحر از نایژه‌ی صبح برآید پیچان به هوا چون نفس از لوله‌ی برغو
تناسب بین نایژه و لوله کامل تر است. همچنین «لوله‌ی برغو»، به معنای لوله‌ای که از شاخ گاو سازند و آن را مانند نفیری نوازند، معنای رساتری دارد.
ب۵-

چون خسرو توران به سراپرده درآید دوران کشدش بر سمن سید یرغو!^{۳۷}
سایر نسخ:

چون خسرو توران بر سراپرده درآید دوران کشدش توسن شیدیز به ترقو
کتابت نسخ ملک، کاملاً مغشوش است و ضبط بیت به این صورت، معنای خاصی در بر ندارد.
ب۶-

چون ترک خطایی ز ختن تاختن آورد در خیل و سپاهش همه افتاد هیاهو^{۳۸}
سایر نسخ:

چون ترک خطایی ز ختن تاختن آورد در خیل و سپاه حبش افتاده هیاهو
ابیات قصیده، شرح درگیری روز و شب است. در این بیت نیز می‌گوید آن‌گاه که صبح (ترک خطایی) حمله می‌آورد، در سپاه حبش (شب)، هیاهو و ولوله می‌افتد.
ب۲۱-

تا خواب رود خصم تو در بستر جاوید در مه‌د سقر می‌زندش هاویه با تو!^{۳۹}
سایر نسخ:

تا خواب رود خصم تو در بستر جاوید در مه‌د سقر می‌زندش هاویه نانو
نانو: گاهواره: که برای خواب رفتن بچه می‌سازند. نانو در بیت، کاملاً متناسب است.
چندین مورد بدخوانی دیگر در این قصیده وجود دارد که از آن می‌گذرم.

قصیده ۲۹:

ب۵-

عرصه‌ی ملک عجم، مهمانسرای جاه‌توست تو ز اقلیم عدم این‌جا به مهمان آمده^{۴۰}
سایر نسخ:

عرصه‌ی ملک عجم مهمانسرای جاه‌توست
تو ز اقلیم عرب این جا به مهمان آمده
صحت ضبط عرب نسبت به عدم، کاملاً مشهود است.
ب ۴۲ -
سایر نسخ:

بود عرض قبه از لاهوت تا سر حد ملک
از ازل تا که ابد در طول بالان آمده
آشفستگی معنا در ضبط کتاب و آراستگی آن در سایر نسخ مشهود است.
ب ۵۰ -

خادمان خانه‌ی مذکور خدام فلک
جبرئیلش خوان، نباتش نعمت خوان آمده^{۴۲}
سایر نسخ:

خادمان خانه‌ی مذکور خدام فلک
جبرئیلش بود خوان، معنای درستی ندارد. ضبط سایر نسخ بهتر است.
جبرئیلش بود بر درگاه، دربان آمده

قصیده ۳۱:

بیت ۸ -

ره سوی الهیّت آنها که نبردند
در ملک تو دارند به هر ذره‌نگاهی^{۴۳}
سایر نسخ:

ره سوی الهیّت آنها که نبردند
در ملک تو دارند به هر ذره‌نگاهی
ضبط نسخ بهتر است، چون علاوه بر اینکه قافیه را تکرار نکرده است (چون قافیه بیت اول هم نگاه می‌دهد)، معنای روشن تری به دست می‌دهد.

غزل‌ها:

در دیوان چاپ شده، ۴۶۹ غزل آمده که موارد زیر قابل ذکر است:

غزل شماره ۴

قطعه است و چون کاتب نسخه ملک آن را بین غزل‌ها آورده، متأسفانه مصحح محترم هم آن را غزل قلمداد کرده است!!

مَنْت نرسد در دو جهان هیچ کسی را
المنّه لله تبارک و تعالی...^{۴۴}

در غزل ۴۲ به مطلع:

خوش آن کز خرمی ساغر ندانست
در این خمخانه بام از در ندانست^{۴۵}
مصراع اول بیت پنجم، در نسخه با جای خالی و چند نقطه آمده که صورت کامل آن در سایر نسخ، بدین شکل است:

خرد با جان تو را نسبت از آن کرد / کزان به، نسبتی دیگر ندانست

غزل ۱۰۵:

به ترتیبی که این ابیات در نسخه ملک الف و سایر نسخ آمده، غزل کاملی نیست و با توجه به این مسئله آن را باید داخل قطعات یا غزل‌های ناقص و در فصلی جداگانه آورد. مطلع این غزل در نسخه‌ها نیست و با این بیت شروع می‌شود:

ما را هر آنچه می‌رسد از ماست سرنوشت / کس را وقوف نیست که بر سر چه‌ها نوشت^{۴۶}

غزل ۲۹۱:

این شعر هم با مطلع:

به تیغ هجر مکن قصد کشتن عشاق / که خون بی‌گنهان ریختن، وبال بود^{۴۷}
غزل نیست و باید میان قطعات یا غزل‌های ناقص بیاید، در حالی که به عنوان غزل ذکر شده است!

غزل ۴۱۵:

بیت اول این شعر، چنین است:

من اندر جستجوی تو، چو آب دیده می‌گردم / به دلجویی شب مارا، به کوی خویش رهبر کن^{۴۸}
به این ترتیب، این شعر هم قطعه‌ای است که آقای رستاخیز آن را میان غزل‌ها آورده است!
نسخه ملک نسبت به سایر نسخ، ۲۲ غزل کمتر دارد که با احتساب این پنج قطعه‌ای که در ضمن غزل‌ها آمده است، نزدیک به ۲۷ غزل از غزل‌های شیخ آذری، در کتاب نیامده است.

قطعات:

قطعه شماره ۱

در این قطعه به مطلع:

ای کامل زمانه که در علم کرده‌ای / دعوی که حل کنی همه‌ی مشکلات را
(همان، ص ۲۹۱)

بیت سوم، این گونه است:

اکنون بیا بگوی که آن تا چه نقطه‌ای است / در نقطه وائمای، خط ممکنات را

و بیت پنجم:

یک نقطه بیش نیست در این فهم چون کنند / ارباب عقل، دایره‌ی ممکنات را
که تکرار قافیه به فاصله یک بیت، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. در سایر نسخ، بیت پنجم این گونه آمده است:

یک نقطه بیش نیست در این فهم چون کنند / ارباب عقل، دایره‌ی کاینات را

که علاوه بر حل شدن مشکل تکرار قافیه، معنای روشن‌تری به بیت داده است.

قطعه ۹ :

ب ۳ :

هرجا که نقطه‌ای مثلاً دیده در سخن دست تصرفش همه را بد نوشته است^{۴۹}
سایر نسخ:

هر جا که لفظ ید مثلاً هست در سخن دست تصرفش همه را بد نوشته است
تناسب بین دو کلمه ید و ید و اختلاف نقطه و آن، نشانگر آن است که ضبط نسخ دیگر مناسب‌تر است.

قطعه شماره ۱۲ :

این شعر، رباعی است که به اشتباه میان قطعات آمده است:

سر دفتر ارباب هنر خواجه علی است ای آنکه تو را لطف و طبیعت ازلی است
تو خواه مرا پسند و خواهی مپسند داند همه کس که حمزه استاد علی است^{۵۰}

قطعه شماره ۱۶ :

یکی پرسید حال شیخ زاده که بعد از شیخ ما چون می‌گذارد
بگفتم روز و شب در کار خیر است اوام شیخ ما را می‌گذارد^{۵۱}
قافیه و معنا و املای آن در این ضبط مغشوش است، اگر فرض را بر صحت بگذاریم، کلمه قافیه بیت دوم باید می‌گزارد باشد تا با وام متناسب شود. در سایر نسخ، این دو بیت چنین آمده است:

یکی پرسید حال شیخ زاده که بعد از شیخ ما چه می‌سپارد
بگفتم روز و شب در کار خیر است اوام شیخ ما را می‌گذارد
که مشکل قافیه و معنای آن حل شده است.

قطعه شماره ۲۰ :

این قطعه با مطلع :

ای به جمعیت ازل گشته منبع فضل و فقه و معدن جود^{۵۲}
این قطعه در کتاب، سه بیت دارد، حال آنکه در سایر نسخ شش بیتی است.

قطعه ۳۴ :

این قطعه که در سایر نسخ با مطلع :

ای صبا روزی به دارالمرز اگر افتی مکن جز به شهر استرآباد و لب دریا نزول^{۵۳}
در کتاب پنج بیت دارد، حال آنکه در سایر نسخ هشت بیتی است. سه بیت اول قطعه در نسخه ملک و به تبع آن در کتاب، نیامده است.

قطعه شماره ۳۹ :

شیخ آذری در این قطعه مطایه آمیز، با طلاب مدرسه شوخی تندى کرده و آنها را به بدکاری متهم نموده است.

از شیخ زادگان مباحی جماعتی
تا معنی درست شناسند بی غلط

دانسته‌اند علم برای مجادله
بسیار کرده اند به شبها مبادله!^{۵۴}

...

و آنگاه در تنازع خذلان میان هم بسیار کرده بحث ز باب معامله!
که برابر ضبط سایر نسخ، ز باب مفاعله است و با توجه به عمل خاصی که شاعر به آن علم آموزان نسبت داده است، مفاعله مناسب می‌نماید.

قطعه شماره ۴۱:

این قطعه در نسخه ملک آشفته است:

ملک فقر [که] تخت شاهی است
اشکال وزنی مصرع، مصحح را مجبور کرده که عبارت داخل قلاب را اضافه کند تا وزن درست شود. اما در سایر نسخ، این مصرع کامل بوده، صورت صحیح آن چنین است:

مسند، گه فقر، تخت شاهی است
آنجا نتوان شدن به میری

قطعه ۴۲:

بیت اول قطعه در نسخه ملک مغشوش است:

سوال کرد ز صرافیان ز من گفتا
که صحیح آن برابر ضبط نسخه دانمارک بدین گونه است:

سؤال کرد مه صرافیان ز من گفتا
رمی مضارع او چیست؟ گفتمش نرمی

که می‌گوید مضارع فعل رمی چه می‌شود و شاعر جواب می‌دهد نرمی. که واژه برهی به هیچ عنوان متناسب با بیت نیست.

رباعیات:

رباعی ۳:

ضبط این رباعی در نسخه ملک مغشوش است و به تبع آن در کتاب نیز نادرست آمده است:

آب خضر از لب تو دربار نگشت
بال لعل لب تو خضر دربار نگشت

هرگز به میان تو به مویی نرسد
دایم صنما کار بدین کار نگشت!^{۵۷}

ضعف معنایی و اضطراب قافیه مشهود است. این سهو ناشی از شیوه خاص کتابت نسخه ملک است که به آن اشاراتی شد، اما ضبط صحیح این رباعی:

آب خضر از لب تو در تاریکی است
با لعل لب‌ت آب خضر باری کیست؟
هرگز به میان تو به مویی نرسد
دایم صنما کار بدین باریکی است
که چون ضبط نسخه ملک فاقد نقطه است، این اشتباه را موجب گشته است
رباعی شماره ۷:

روزی به چمن لاله به رعنائی شد
بر بوی تو بر سبوی بینایی شد^{۵۸}
در سایر نسخ، سبوی مینایی است که درست‌تر به نظر می‌رسد.
رباعی ۱۳:

ای ابر کف و بحر دل و کوه وقار
جم رفعت و کی طلعت و کسری آثار
دارا فر و قیصر سپه و سام شکوه
رستم دل و کی قدرت و گردون مقدار^{۵۹}
ضبط مصرع چهارم در سایر نسخ، این گونه است:
رستم دل و کی قدر و فریدون مقدار
با توجه به التزام شاعر به آوردن نام پادشاهان و پهلوانان اساطیری، فریدون صحیح‌تر به نظر می‌رسد.
رباعی ۱۴:

ای سرو ز قامت تو مایل به نماز
گلبویی و باغ را کنی بر سر ناز
تا با لب جوی، گفتگویی داری
بگذر به چمن [که وقت می‌ناید باز]^{۶۰}
ضبط رباعی در نسخه ملک ناقص است. عبارت داخل قلاب، افزوده مصحح است. در سایر نسخ، رباعی بدین‌گونه آمده است:

ای سرو ز قامت تو مایل به نماز
میلی سوی باغ کن ای سرو به ناز
با مال لب جوی، ماجرای داری
بگذر سوی ما که ماجرای است دراز
رباعی ۱۷:

ای روی تو مجموعه دیوان ازل
بی‌قول تو بر عمل نیارند عمل^{۶۱}
سایر نسخ: ای رای تو مجموعه دیوان ازل
بی‌قول در عمل نیارند غزل
که تناسب بین غزل و قول و نیز حذف یکی از دو عمل، موجب زیبایی بیشتر بیت شده است.

رباعیات منسوب به حکیم آذری

در پایان قسمت اول رباعیات، مصحح چنین آورده است: «کسی که غزلیات را نقل کرده، در پایان شماری از رباعیات نیز نقل شده! و آنها را به آذری نسبت داده است، ولی به طوری که می‌دانیم، غالب این رباعیات منسوب به خیام است و بارها به نام خیام به چاپ رسیده است. با این همه، چون نسخه‌نویس آنها را به آذری نسبت داده است، در اینجا آورده‌ایم!!»^{۶۲} عجباً که مگر هرچه نسخه‌نویس نقل کرد و گفت،

باید آورد؟

پس تصحیح کتاب چه مفهومی دارد؟ و نکته جالب آنکه ذکر نشده، در کدام نسخه این اتفاق افتاده است. در نسخه ملک که نسخه اساس چاپ این کتاب است، چنین رباعیاتی دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، چاپ رباعیاتی به نام شیخ آذری که در چندین دست نوشته قبل از قرن هفتم به نام خیام و دیگران آمده، چه وجهی دارد؟ اصولاً یکی از وظایف تصحیح کننده نسخ خطی، بررسی صحت مندرجات متن و پیدا نمودن اختلاف و احیاناً غلطها و نسبت‌های ناروا است، وگرنه چاپ واژه به واژه کتاب که دیگر این همه طول و تفصیل نمی‌خواهد. جالب اینکه در برخی از این رباعیات، نام خیام هم آمده است!

خیام اگر ز عشق مستی، خوش باش
با لاله‌رخی اگر نشست، خوش باش
آن غصه مخور که نیست گردی فردا
انگار که نیستی، چو هستی خوش باش^{۶۳}

تک بیت‌ها :

بیت ۵ :

شراب هجرای دل گرچه تلخ و جان‌ستان باشد
ولیکن تلخی روز جدایی بیش از آن باشد^{۶۴}
این بیت، مطلع غزل ۱۱۶ همین کتاب است که در صفحه ۱۵۰ چاپ شده است.

تعلیقات و نسخه بدل‌ها:

از صفحه ۳۲۰ کتاب، نسخه بدل‌ها و تعلیقات، همراه یکدیگر و بسیار آشفته و مغشوش آمده‌اند. نظم قصایدی که نسخه بدل‌های آنها آمده و در مورد بعضی از ابیات و واژگان آنها توضیح داده شده، نابسامان است. در صفحه ۳۲۰ چنین آمده از: صفحه ۳ - قصیده ۱۲ ص ۱۴۲ غزل ۳۵۹ - ص ۲۹۸ قطعه شماره ۲۹. و در ادامه با همین نظم و منطق، نسخه بدل‌هایی برای قطعات و قصاید و غزل‌ها، بدون هیچ‌گونه روش و قاعده‌ای آمده است. نویسندگان، مطالب مهم و قابل استفاده‌ای را در مورد شعر شیخ آذری جمع‌آوری نموده‌اند، ولی روش ارائه این مطالب آن قدر بی‌ضابطه و قاعده است که عملاً فایده‌ای بر آن مترتب نیست. به طور نمونه در صفحه ۳۹۰ در مورد غزلیات آذری می‌گوید:
«با آنکه غزلیات آذری کلاً جنبه معنوی دارد و روی هم رفته! در غزل‌های خود...» تا انتهای این عبارت جمله‌بندی سست و نارساست. قید «روی هم رفته» پس از «کلاً» وجهی ندارد.
در صفحات ۴۰۱ تا ۴۰۴ کتاب هم فهرستی از اشتباهات کاتبان دیوان آذری آمده است که به هر حال یکی از وظایف مصححان، تشخیص و تصحیح اشتباهات کاتبین است!
نمایه انتهای کتاب هم در نوع خود بی‌نظیر است. فهرست جامعی از آیات و روایات و نام عربی، نام‌ها، اقوام، جای‌ها، فلزات، جانوران، ابزارهای جنگی، کتاب‌ها، رنگ‌ها و حتی بوی‌ها و طعم‌ها! آمده است که می‌تواند به محققان کمک کند.

سخن آخر:

همان‌طور که در آغاز گفتیم، تصحیح و چاپ متون کهن، عمل بایسته و ارزشمندی است که غبار نشستگی روی میراث گرانبهای علمی و ادبی کشور را زدوده و آن را در هیئتی زیبا و چشم‌نواز به تماشا می‌گذارد، ولی نکته‌ای که گاه در این باره، چندان جدی گرفته نشده، ضرورت کار علمی و دقت نظر ادبی، جهت تصحیح متون است. بررسی و تدوین شیوه‌نامه‌ای یکسان برای تصحیح متون، گردآوری نظامنامه برای رعایت اصول تصحیح انتقادی آثار و تشکیل ستادی برای داوری در مورد آثار تصحیح شده و آماده چاپ، از ضروریاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در تصحیح دیوان شیخ آذری، متأسفانه تعدادی از این اصول رعایت نشده است. جستجو و گردآوری تمامی دست‌نوشته‌های موجود از دیوان، بررسی و ارزش‌گذاری دست‌نوشته‌ها و تعلیقات گسترده و همه‌جانبه، از اصولی است که در این چاپ رعایت نگردیده و با وجود زحماتی که برای چاپ آن کشیده شده، چاپ کامل دیوان شیخ آذری، کوشش دیگری را طلب می‌کند و تصحیح دیگر باره‌ای را.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه پیام نور بجنورد.
۲. مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه‌برداری و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۳.
۳. آذری، حمزه بن علی، دیوان به تصحیح دکتر محسن کیانی و عباس رستاخیز، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، مقدمه، ص یازده.
۴. همان، ص ۱۱.
۵. مایل هروی، نجیب، سایه به سایه (دفتر مقاله‌ها و رساله‌ها)، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۸، ص ۲.
۶. منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۰، ص ۲۲۰۷ به بعد.
۷. آذری، دیوان، مقدمه، ص بیست و نه.
۸. نسخه خطی دیوان شیخ آذری، نسخه ملک الف، ص ۱۰.
۹. همان، ص ۱۵.
۱۰. همان، ص ۱۷.
۱۱. همان، صفحه ۱۸.
۱۲. همان، ص ۳۰.
۱۳. همان، ص ۵۰.
۱۴. همان، ص ۶۰.
۱۵. همان، ص ۱.
۱۶. آذری، دیوان، ص ۱.
۱۷. همان، ص ۱.
۱۸. همان، ص ۲.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ج ۵، ذیل تولا.
۲۰. آذری، دیوان، ص ۳.

۲۱. همان، ص ۴	۵۸. همان، ص ۳۰۴
۲۲. همان.	۵۹. همان.
۲۳. همان، ص ۵	۶۰. همان، ص ۳۰۵
۲۴. همان.	۶۱. همان
۲۵. همان، ص ۲۱	۶۲. همان، ص ۳۰۶
۲۶. همان، ص ۳۸	۶۳. همان، ص ۳۱۰
۲۷. همان، ص ۴۰	۶۴. همان، ص ۳۱۳
۲۸. همان، ص ۵۰	
۲۹. همان، ص ۵۹	
۳۰. همان، ص ۶۳	
۳۱. همان، ص ۶۵	
۳۲. همان، ص ۷۰	
۳۳. همان، ص ۷۱	
۳۴. همان، ص ۷۳	
۳۵. همان.	
۳۶. همان.	
۳۷. همان.	
۳۸. همان.	
۳۹. همان، ص ۷۴	
۴۰. همان، ص ۷۵	
۴۱. همان، ص ۷۸	
۴۲. همان، ۷۹	
۴۳. همان، ص ۸۳	
۴۴. همان، ص ۱۰۸	
۴۵. همان، ص ۱۲۴	
۴۶. همان، ص ۱۴۶	
۴۷. همان، ص ۲۱۶	
۴۸. همان، ص ۲۶۶	
۴۹. همان، ص ۲۹۳	
۵۰. همان، ص ۲۹۴	
۵۱. همان، ص ۲۹۵	
۵۲. همان، ص ۲۹۶	
۵۳. همان، ص ۳۰۰	
۵۴. همان، ص ۳۰۱	
۵۵. همان، ص ۳۰۱	
۵۶. همان.	
۵۷. همان، ۳۰۳	

